

# معانی ثانوی استفهام در سوره ملک از منظر علامه طباطبایی و ابن عاشور

سید محمد میرحسینی \*

زهرا عزیزی \*\*

## چکیده

استفهام یکی از اسلوب‌های انشاست که علاوه بر معنای حقیقی دارای معانی ثانوی است که کاربرد آن در کلام، موجب انتقال معانی گسترده و تأثیرگذاری بر مخاطب می‌شود. یکی از راه‌های فهم دقیق آیات، کشف معانی ثانویه اسالیب انشا به خصوص استفهام است. استفهام یک اسلوب پرکاربرد، زیبا و تأثیرگذار در علم بلاغت است که متکلم بلیغ با استفاده به موقع و مناسب از آن در کلام، معنای مورد نظر خود را به مخاطب القا می‌نماید. در سوره ملک شانزده مرتبه اسلوب‌های گوناگون استفهام در معانی توییح و تهدید، انکاری و ... به کار رفته است و قرآن به عنوان یک کلام بلیغ از استفهام برای بیان حال منکران و ترمذکنندگان از فرمان الهی و کسانی که عذاب الهی را به سُخره می‌گیرند، در معانی ثانوی استفاده نموده است. در این نوشتار، با روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی معانی ثانویه استفهام از منظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به عنوان مفسر شیعه و ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر مفسر اهل سنت پرداخته شده است. نقاط اشتراک و افتراق این دو مفسر بیان گردیده است. با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد که استفهام از مؤثرترین اسلوب‌های کلام بلیغ برای انتقال معنا به مخاطب است و نیز در بررسی تطبیقی بین علامه طباطبایی و ابن عاشور به نظر می‌رسد علامه طباطبایی برای تبیین آیات و کشف حقایق و معارف موجود در آیات قرآن کریم به توضیح و بررسی معانی ثانویه استفهام به همراه دیگر قرائن موجود در آیات پرداخته و استفهام ابزاری برای کشف حقایق و معارف موجود در آیات بررسی دقیق گردیده است. اما ابن عاشور صرفاً به جنبه تحلیل صرفی، نحوی، بلاغی و ادبی آیات به طور دقیق و تفصیلی پرداخته و کمتر در صدد کشف حقایق قرآن و اثبات موردی در این زمینه بوده است.

**واژگان کلیدی:** استفهام، معانی ثانوی، سوره ملک تفسیر المیزان، تفسیر التحریر و التنویر.

\* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه زبان و ادبیات عربی m\_mirhosini ۸۹@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته سطح ۳ رشته مدرسی ادبیات عرب مؤسسه آموزش عالی رفیعه المصطفیٰ  
تهران. azizzahrany@gmail.com



وزیله و نیز «بررسی اغراض ثانویه جملات انشایی در سه جزء قرآن کریم» که به صورت پراکنده از موارد انشایی در آن اشاره شده است، توسط محمد شیخ وزری شعبانی مورد پژوهش واقع شده است. اما این مقاله به بررسی معانی ثانویه استفهام به طور کلی و در همه ادوات مذکور آن در سوره ملک از منظر علامه طباطبائی و ابن عاشور به صورت تطبیقی می پردازد.

## ۲. مفهوم شناسی

استفهام از اسلوب انشاست (تفتازانی، ۱۴۲۵، ص ۱۹۵) که در لغت و اصطلاح به معنی طلب فهم و درک چیزی که قبلاً معلوم نبوده است (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۶۹). انشا در لغت به معنای ایجاد و در اصطلاح به معنای کلامی است که ذاتاً احتمال صدق و کذب نداشته باشد؛ مثل «اغفر» که به گوینده این جمله نسبت صادق بودن یا کاذب بودن داده نمی شود. انشا کلامی است که مضمون آن زمانی بر زبان جاری می شود، محقق می شود.

انشا بر دو نوع تقسیم می شود: ۱. انشای طلبی؛ ۲. انشای غیر طلبی.

از آنجا که فقط انشای طلبی دارای لطایف بلاغی است، به توضیح انشای طلبی پرداخته می شود.

انشای طلبی پنج نوع است: امر، نهی، استفهام، تمنی و ندا.

### ۲-۱. ادوات استفهام

استفهام با یکی از ادوات زیر انجام می شود: «أ، هل، ما، متی، ایان، کیف، این، آنی، کم، ای» (همان، ص ۷۸). ادوات استفهام به سه دسته تقسیم می شوند:

#### الف) ادوات ساده استفهام

أ استفهام: این حرف ساده ترین و اصلی ترین ادوات استفهام است (هارون، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹) که نسبت به سایر ادوات پرسشی کاربرد بیشتری دارد (سیبویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹).

ادات ساده دیگر استفهام حرف «هل» است. در قیاس با آن، نوع فعال تری از پرسش را



مطرح می‌کند (استرآبادی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸).

### ب) قیدهای استفهام

قیدهای استفهام کلماتی پرسشی‌اند که در ساختمان جمله‌های عربی نقش قیدی حالت، مکان یا زمان دارند، از جمله: کیف، این، آنی و... .

### ج) ادوات استفهام

ما، ماذا... (دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۳۳۲۸).

تقسیم‌بندی دیگری برای ادوات استفهام صورت گرفته است که برحسب نوع طلب می‌باشد:

۱- اداتی که گاهی تصور و گاهی تصدیق به وسیله آن مورد سؤال واقع می‌شود و آن همزه است.

۲- اداتی که فقط تصدیق به وسیله آن مورد سؤال واقع می‌شود و آن «هل» است.

۳- ادواتی که فقط تصور به وسیله آنها مورد پرسش قرار می‌گیرد و آنها عبارت‌اند از: «ما، متی، ایان، کیف، این، آنی، کم، وای» (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

### ۲-۲. معانی استفهام

گاهی الفاظ استفهام از معنای اصلی خود که «عبارت است از طلب علم به مجهول» (همان، ص ۸۳) خارج شده و به وسیله آنها برای اغراض دیگری درباره شیء معلوم پرسش می‌شود و آن اغراض از سیاق و دلالت کلام فهمیده می‌شود. مهم‌ترین اغراض فرعی استفهام عبارت‌اند از: امر، نهی، تسویه، توییخ، انکار، تهدید، تهویل، تهکم (همان، ص ۸۳-۸۵).

### ۳. معرفی سوره ملک

سوره مُلک یا سوره تَبَارک شصت و هفتمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن است که در جزء ۲۹ جای دارد. نام‌گذاری این سوره به «ملک» و «تبارک» به دلیل وجود این دو کلمه در نخستین آیه آن است (صفوی، ۱۳۹۶، ص ۸۱۳). هدف اصلی سوره ملک را بیان

عمومیت ربوبیت خدا برای تمام عالم و انذار به معاد دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۴۸). این سوره با تحسین خداوند در مورد فرمان‌روایی و حاکمیت و قدرت مطلقه او آغاز می‌شود و در آیه دوم، آفرینش و مرگ و حیات را در جهت آزمایش الهی و انتخاب اصلح ذکر می‌کند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۵۷). آیات اول و دوم این سوره را از آیات مشهور سوره ملک دانسته‌اند. در فضیلت تلاوت این سوره آمده است هر کس در شب سوره ملک را قرائت کند، اجری مانند احیای شب قدر خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۶).

تبارک به معنای صدور برکات بسیار زیاد از ناحیه خداوند است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۴۸). نام‌های دیگری از جمله مانعه (جلوگیری‌کننده)، واقیه (نگه‌دارنده)، منجیه (نجات‌دهنده) و مئاعه (بسیار بازدارنده) به این سوره داده شده است. علت این نام‌گذاری‌ها را حفظ قاریان و عاملان به سوره ملک از عذاب قبر و نجات از آتش دوزخ دانسته‌اند (صفوی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۸) که در روایات به آنها اشاره شده است: «هي المناعة، هي المنجية تنجيه من عذاب القبر» (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۳).

سوره ملک جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، هفتاد و هفتمین سوره‌ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مصحف، شصت و هفتمین سوره است و در آغاز جزء ۲۹ قرآن جای دارد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵۷).

سوره ملک دارای ۳۰ آیه ۳۳۰ کلمه و ۱۳۰۰ حرف (صفوی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۸) و از نظر حجم جزو سوره‌های مفصلات و در حدود نیم حزب است (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۵۷). این سوره پس از سوره طور و پیش از سوره حاقه و قبل از هجرت در مکه نازل شد و آیه مدنی ندارد (رامیار، ۱۳۶۲، صص ۳۶۰ و ۵۹۶). سوره ملک همانند سوره فرقان با واژه «تبارک الذي» آغاز شده و در شمار سوره‌های ممتحنات آورده شده است (همان) که گفته شده با سوره ممتحنه تناسب محتوایی دارند (پژوهشکده مدیریت اطلاعات اسلامی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۱۲).

هدف اصلی سوره ملک را بیان عمومیت ربوبی خدا برای تمامی عالم و انذار به معاد دانسته‌اند (صفوی، ۱۳۹۶، ص ۸۱۴). این سوره با تبریک و تحسین خداوند در مورد



فرمان روایی و حاکمیت و قدرت مطلقه او آغاز می‌شود و در آیه دوم، آفرینش و مرگ و حیات را در جهت آزمایش الهی و انتخاب اصلح ذکر می‌کند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۵۷).

#### ۴. معانی ثانوی مشترک استفهام در سوره ملک از منظر علامه طباطبایی و ابن عاشور

در تعدادی از آیات سوره ملک، استفهام‌های موجود در آن در معانی ثانوی از منظر علامه طباطبایی و ابن عاشور مشترک است. از جمله موارد متعددی که در آن اشتراک نظر وجود دارد، معنای ثانویه توبیخی و انکاری است که در ادامه بیان می‌گردد.

#### ۱-۴- انکار و توبیخ

۱- «تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كَلِمًا أُلِيًّا فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتُمُ خَزَنَتَهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» نزدیک است که از خشم شکافته شود هر بار که گروهی در آن افکنده شوند نگاهبانان آن از ایشان پرسند مگر شما را هشدار دهنده‌ای نیامد» (۸: ملک).

آیه ۸ سوره ملک تنها آیه‌ای است که سؤال‌کننده در آن غیر از خداست. علامه طباطبایی و ابن عاشور در انکاری بودن معنای ثانویه آن اشتراک نظر دارند.

علامه طباطبایی در مورد این آیه شریفه می‌فرماید که استفهام در این آیه برای توبیخ اهل آتش صورت گرفته است. ملائکه موکل دوزخ از عذاب شوندگان در آتش از باب توبیخ می‌پرسند: مگر برای شما نذیر یعنی پیامبری که از چنین آتشی شما را بترساند نیامده است و آنها در پاسخ گویند: بله آمد، ولی ما به او افترا بستیم (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۹۱).

ابن عاشور استفهام در این آیه را برای توبیخ و تندیم اهل آتش بیان می‌کند تا بر حسرت آنها بیفزایند (ابن عاشور، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۲۴).

دیگر مفسرین نیز در توبیخی بودن آن اتفاق نظر دارند؛ از جمله شیخ طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «فرشتگان نگهبان جهنم از کفار پرسشی جهت توبیخ و سرزنش می‌نمایند که آیا بیم دهنده‌ای از طرف خدای سبحان نیامد که شما را از عذاب و شکنجه این آتش بترساند؟» (طبرسی، ۱۳۶۳-۱۳۵۰، ج ۲۵، ص ۱۷۵).

در آیه بعدی صرفاً از نظر هر دو مفسر در معنای ثانویه استفهام انکاری است.  
 ۲- «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» آیا کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست» (۱۴: ملک).

استفهام در این آیه شریفه در نظر علامه طباطبایی و ابن عاشور هر دو در معنای ثانویه انکاری به کار رفته است.

علامه طباطبایی استفهام در این آیه شریفه را در معنای ثانویه انکاری بیان کرده است: از منظر علامه طباطبایی این آیه شریفه بیانگر حجتی بر علم خداوند نسبت به اعمال ظاهری و باطنی خلق است. بیان این حجت به گونه ای است که اعمال خلق هر چند اعمال اختیاری آنها نسبتی با خود آنها دارد؛ لکن این خدای سبحان است که آن عمل را اراده و از طریق اختیار بنده اش و اقتضای سایر اسباب ایجاد می کند؛ پس در حقیقت خالق آن اعمال هم خداوند تبارک و تعالی است. چون اوست که صاحب عمل را آفریده و صاحب عمل با همه آثار و اعمالش و روابطی که بین او و بین آثارش موجود است و او را به آثارش می رساند و آثارش را از او ظاهر می کند، همه و همه مخلوق خداوند تبارک و تعالی هستند: «الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل» و «الذی خلق فسوی و الذی قدّره دی» (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۹۴). پس این سخن بیانگر آن است که خدای سبحان، محیط به خلاق است، هم به عین و جسم آنها و هم به آثار و اعمالشان، در ظاهر و باطن، پس چگونه خدای سبحان به مخلوقات محیط باشد، ولی از آنها آگاه نباشد؟ لذا استفهام موجود در این آیه شریفه از منظر علامه طباطبایی دلالت بر استفهام انکاری می نماید.

از منظر ابن عاشور نیز استفهام در این آیه در معنای ثانویه انکاری است؛ زیرا عبارت «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ» استیناف بیانی برای عبارت «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» در آیه قبل از خود است. عبارت «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ» در واقع پاسخی به عبارت «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» است که گویا پرسشی را در ذهن خواننده ایجاد کرده که خداوند چگونه عالم به ذات الصدور است و در پاسخ و تبیین آن از اسلوب پرسشی استفاده کرده است؛ به جای استفاده از جمله خبری با مطرح کردن استفهام، ذهن خواننده را برای بیان این مطلب جلب می نماید که خداوند بر هر آنچه از خلق صادر می شود، آگاه است؛ همان گونه که انسان ها و سایر مخلوقات را



خلق نمود. این استفهام در معنای استفهام انکاری است که در واقع برای تنبه مخاطب آمده است (ابن عاشور، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۲۵).

طبق نظر مفسران دیگر نیز استفهام در این آیه انکاری است. طبق ترجمه و توضیح این آیه و از سیاق آیات قبل استفهام در این آیه در معنای انکاری به کار رفته است؛ مثلاً طبرسی در مجمع البیان با توجه به سیاق آیات و به خصوص آیه قبل از این آیه می‌توان گفت استفهام در این آیه در معنای ثانویه انکاری ذکر شده است؛ زیرا در آیه قبل با صراحت منافقان را خطاب قرار داده، بیان می‌کند که سخن خود را چه پنهان کنید و چه آشکار، خدا به آنچه در دل و در ضمیر خود دارید، آگاه است؛ لذا در آیه بعد با استفهام گونه بیان کردن در صدد بیان همین نکته است که «آیا خدا از آنچه خلق کرده، آگاه نیست که در معنای استفهام انکاری است و در تکمیل و توضیح و تأکید آیه قبل از خود است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۳-۱۳۵۰، ج ۲۵، ص ۱۸۴). زمخشری نیز در تفسیر کشاف با تبیین آیات ۱۳-۱۴ در کنار هم به این امر پرداخته که چطور کسی که خالق است نمی‌داند در لسان آنکه خلق کرده و آنچه در ضمیر آنهاست آگاه نباشد؛ لذا استفهام در این آیه در معنای ثانویه انکاری است (ر.ک: زمخشری، ج ۴، ص ۵۷۹-۵۸۰).

استفهام در آیه ۱۶ سوره ملک با توجه به ادامه فحوای آیات قبل بوده و مفسران به تبیین دقیق آن پرداخته‌اند و با توجه به ترجمه و توضیح آیه، استفهام در آن، انکاری به نظر می‌رسد. در آیه ۱۶ سوره مبارکه ملک، قایل به معنای توبیخ برای آیه شریفه شده‌اند.  
۳- «أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ» آیا از [قهر] خدایی که در آسمان مقتدر و حکم فرماست ایمن‌اید که شما را به زمین فروبرد، در حالی که زمین به موج و اضطراب درافتد» (۱۶: ملک).

در آیه ۱۶ سوره مبارکه ملک، هر دو مفسر به معانی ثانوی توبیخ قایل شده‌اند؛ افزون بر اینکه ابن عاشور علاوه بر توبیخ، استفهام انکاری نیز برای آن ذکر کرده است. علامه طباطبایی استفهام در این آیه را صرفاً توبیخی می‌داند و می‌فرماید: «بشر را تهدید و توبیخ می‌نماید که تاکی از ربوبیت خدای متعال غافل بوده و در شکر نعمات الهی کوتاهی می‌ورزد» (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۹۹). ایشان در ادامه بیان می‌دارد: «چگونه با خاطر جمع به ربوبیت خدای متعال کفر ورزیده‌اید و چه ایمنی‌ای در برابر ملائکه آسمان و



موکل بر امور عالم دارید از اینکه زمین زیر پایتان را بشکافند و به امر خدا شما را در شکم زمین پنهان دارند، در حالی که زمین همچنان متزلزل و مضطرب باشد و چون گهواره آمد و شد داشته باشد» (همان، ص ۶۰۰). لذا این آیه با طرح چنین پرسشی در صدد توییح بشر به خاطر غفلت در امر عبادت و شکرگزاری خدای متعال است.

ابن عاشور در تبیین آیه مذکور می‌فرماید این آیه از استدلال به سمت ارباب می‌رود و جمله معترضه‌ای است در بیان استفهام انکاری، توییح و تحذیر؛ زیرا در بیان استفهامی است که معانی ثانویه آن اشاره به آیات قبل خود دارد که در صدد دادن توجه و هشدار به انسان‌هاست؛ این آیه شریفه می‌فرماید خدایی که خالق آسمان‌ها و زمین است و زمین را مسخر انسان‌ها قرار داده است، ولی انسان‌ها آن چنان که باید حق خداوند را رعایت نکردند و از او سرپیچی کردند؛ پس مستحق خشم و عذاب خداوند شدند؛ لذا ابتدای آیه شریفه را با استفهام در معانی ثانویه انکاری، توییح و تحذیر آغاز نمود که علاوه بر انتقال سریع منظور گوینده و تأثیرگذاری بهتر بر مخاطب، از طولانی شدن جمله جلوگیری نمود؛ زیرا استفهام در آن واحد در سه معنای انکار، توییح و تحذیر به کار رفته و بر زیبایی و تأثیرگذاری آن افزوده است (ابن عاشور، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۱).

۴- «أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ» و اینکه آیا ایمن‌اید از اینکه در آسمان سنگ‌پاره‌ها را بر سرتان ببارد، اگر این طور است، پس به زودی خواهید فهمید که تهدید چیست» (۱۷: ملک).

در این آیه شریفه علامه طباطبائی با توجه به روشن بودن بحث، از توضیح اضافه خودداری نموده و با تبیین معنا و مضمون آن، به نظر در معنای استفهام انکاری است، به خصوص با وجود فای تفریح در انتهای آیه، فحوای آیه را در ادامه آیات قبل دانسته و برای استفهام مذکور در انتهای آیه، معنای توییح و هشدار را بیان کرده است. ابن عاشور نیز با ذکر معانی ثانوی استفهام در این آیه، استفهام ابتدای آیه را انکاری و استفهام دانسته، در انتهای آن را تهدید و تنذیر بیان نموده است.

در این آیه علامه طباطبائی می‌فرماید ابتدای آیه با همزه استفهام آمده است و با توجه به آیات قبل، این آیه نیز در معنای استفهام انکاری است: «آیا از ملائکه آسمان ایمن گشته‌اید که باد سنگسار و ریگ‌دار بر شما بفرستند؟ همان طور که بر قوم لوط فرستادند».



در آیه ۳۴ سوره قمر آمده است: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ».

ابن عاشور بیان می‌کند در ابتدای این آیه «ام» منقطعه ذکر شده است که آن در خود معنای استفهام انکاری را دارد و گاهی با همزه استفهام همراه می‌شود و گاهی در تقدیر گرفته می‌شود و در اینجا همزه در ظاهر بیان شده است و با استفهام انکاری در بیان این است که آیا از آنچه بر شما فرستاده خواهد شد، ایمن‌اید که این معناست که در امان نخواهید بود.

اغلب مفسران استفهام در این آیه را استفهام در معنای ثانوی انکاری دانسته‌اند. طبرسی در مجمع البیان با توجه به توضیحی که ارائه نموده است و شفاف بودن مطلب در فحوای آن در معنای استفهام انکاری است. (طبرسی، ۱۳۶۳-۱۳۵۰، ج ۲۵، ص ۱۸۶). همچنین در بیان السعاده به صراحت استفهام را انکاری دانسته است (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۱۹۳).

۵- «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ» آیا مرغان هوا را نمی‌نگرند که بالای سرشان پرگشوده، گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می‌کنند» (۱۹: ملک).

استفهام در آیه ۱۹ سوره ملک در دو معنای استفهام توییحی در نظر علامه طباطبایی و استفهام انکاری است در نظر ابن عاشور است. در این آیه شریفه علامه طباطبایی به صراحت به معنای ثانوی استفهام نپرداخته، ولی با توجه به سیاق آیه بعد و اینکه در این آیه از سیاق غیبت استفاده شده، برمی‌آید که استفهام در نوع توییحی به کار رفته است؛ زیرا در آیه بعد علامه بیان می‌نماید که با تغییر سیاق از غیبت به خطاب توییح کفار را رخ به رخ مطرح می‌نماید تا سرزنش دردناک‌تر شود.

نیز در انتهای همین آیه، جمله «مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ» به منزله جواب برای سؤال تقدیری است. ایشان بیان می‌کند که منظور قرآن از توجه دادن مردم به باز و بسته شدن بال پرندگان چیست که در این جمله «مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ» پاسخ داده که جز خدا کسی طیور را در فضا نگه نمی‌دارد. در انتهای این آیه شریفه «نَذِيرٍ» به معنای انذار و هشدار است. طبق بیان ایشان به خاطر وجود «فا»ی تفریع در عبارت «فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ» متفرع بر مطلبی است که از آیات قبل استفاده می‌شود و آن عبارت است از اینکه مشرکان از

ربوبیت خدای سبحان غافل شدند و از عذاب او ایمن گشتند؛ لذا می‌فرماید پس به زودی خواهند فهمید معنای انذار چیست (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۰۰).

ابن عاشور استفهام در این آیه را به صراحت در معنای انکاری ذکر کرده است؛ یعنی حقیقت آن است که کسی جز خدای رحمان پرنده‌ها را در آسمان نگه نمی‌دارد؛ همان گونه که آسمان را بر فراز زمین نگه می‌دارد (ابن عاشور، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۷). ابن عاشور در انتهای این آیه کلمه پرسشی «کیف» را که در ادامه استفهام انکاری پرسش قبل دانسته و آن را برای تهدید و هشدار ذکر کرده است (ابن عاشور، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۳).

شیخ طبرسی در مجمع البیان به نقل از ابن عباس گوید: «آیا آن کسی که سپاهتان باشد کیست که شما را عذاب جز خدای بخشنده یاری کند. این استفهام انکاری است، یعنی لشکری نیست که شما را از من یاری کند و اگر خواستم شما را عذاب کنم، باز دارد شما را از عذاب من» (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۲۵، ص ۱۸۸).

۶- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ: بگو چه تصوّر می‌کنید؟ اگر آب [که مایه زندگانی] شما [است] همه به زمین فرورود، [جز خدا] کیست که باز آب روان و گوارا برای شما پدید آرد» (۳۰: ملک).

علامه طباطبایی در آیه ۳۰ به تبیین استفهام نپرداخته است؛ ولی با توجه به سیاق آیات قبل از ابتدا سوره تا انتها برمی‌آید هشدار به حال کافران باشد و استفهام نیز در معنای انکاری است و به خاطر واضح بودن امر دیگر علامه به توضیح مکرر آن نپرداخته است.

در این آیه شریفه ابتدا ابن عاشور استفهام در عبارت «فمن یاتیکم بماء» را از نوع انکاری بیان کرده است؛ یعنی احدی آبی آورده نمی‌آورد غیر از خدا و نیز با توجه به آیات قبل که خدا را بعد از استفهام انکاری در انتهای آیه ذکر می‌فرمود؛ مثل ذکر «الرحمان» در آیه ۲۰ ملک در این آیه دیگر ذکر نکرد؛ چون از سیاق آیات قبل کاملاً روشن است که فقط خداست که می‌تواند آب در خاک فرورفته را برگرداند.



#### ۲،۴ - اضراب

۱. «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُفُّكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ» ویا کسی را که خدا می‌داند، اگر الله به شما رزق ندهد، او می‌دهد؟ نه هرگز، بلکه کفار با روشن شدن حق از آن دوری می‌کنند و در گریز از آن لجاجت می‌ورزند» (۲۱: ملک).

«ام» در اینجا به معنای اضراب است در معنای ابطال کلام قبل که افاده حصر مابعد می‌کند (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۰۳). در این آیه «ام» استفهام در معنای بل اضراب است و خداوند می‌فرماید اگر خداوند روزی خود را از شما دریغ بدارد، آیا کسی یا بت‌ها به شما روزی می‌دهند که خود خدای سبحان پاسخ می‌دهد نه هرگز، بلکه کفار با روشن شدن حق از آن دوری می‌کنند و در گریز از آن لجاجت می‌ورزند.

ابن عاشور در بیان ام منقطعه که در ابتدای آیه آمده، آن را انتقال از معنایی به معنای دیگر می‌داند، با توجه به آیه قبل خود که «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ» بود. در ادامه با آمدن «بل» که در معنای اضراب است، به جهت تعجیز کفار به خاطر عنادی که می‌ورزیدند، ذکر شده است؛ در اینکه کفار به جای پذیرش حق بیشتر در خصومت و عناد خویش پافشاری کردند.

#### ۳،۴ - تهکم

«وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و کافران به تمسخر گویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست می‌گویید» (ملک: ۲۵).

علامه طباطبایی در این آیه به بیان منظور کفار از «وعده» می‌نماید که همان قیامت موعود است. در این جمله سخن از کنار و منکران معاد را حکایت می‌کند که در آمدن آن عجله کردند که این استعجال به سبب استهزا و تهکم بوده است.

ابن عاشور کلمه پرسشی «متی» را از در معنای ثانویه «تهکم» دانسته است؛ زیرا بیان می‌کند که از عادت کافران و مشرکان استهزای کلام الهی است؛ همچنان که در آیه ۵۱ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ؟ پس خواهند گفت که ما را دوباره زنده می‌کند؟ بگو همان خدایی که هم اول بار شما را آفرید؛ آن‌گاه آنها مغرورانه و با تمسخر سر به سوی تو جنبانده گویند:

پس این وعده کی خواهد بود».

در این آیه بعد از استهزای کافران به وعده عذاب الهی که با تمسخر از پیامبر پرسش زمان فرارسیدن عذاب الهی را می‌کنند، ابن عاشور بیان می‌کند که با اسلوب حکیم خداوند به آنها پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: به آنها بگوفقط خدا می‌داند. همچنان‌که در آیه ۵۱ سوره اسراء نیز بعد از پرسش تهکم‌آمیزشان از زمان فرارسیدن عذاب الهی خداوند با روشی حکیمانه به آنها پاسخ می‌دهد: شاید به همین زودی‌ها!

## ۵. موارد افتراق دیدگاه علامه طباطبایی و ابن عاشور در معانی ثانوی استفهام در آیات

### سوره ملک

در این آیه طبق دیدگاه علامه طباطبایی استفهام موجود در آن در بیان تهدید است؛ اما از منظر ابن عاشور، استفهام در آن در بیان تقریر و تنکیر است.

۱- «وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس بنگر که کیفر من چگونه بود» (ملک: ۱۸).

آیه شریفه «فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» شاهی است بر صدقِ «فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ» که وعید و تهدید آن را تصدیق می‌کند (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۰۱).

ابن عاشور استفهام پایان این آیه را استفهامی تقریری و تنکیری دانسته که در مورد عبارت قبل در آیات قبل از خود است و کنایه از تحقق وقوع عذابی است که در آیات قبل نیز به آن اشاره کرده بود (ابن عاشور، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص ۳۴).

عبارت پرسشی انتهای آیه دلالت بر وقوع حتمی عذاب می‌کند. در مجمع البیان با استفاده از آیه بعد که قدرت خداوند در نگه داشتن پرنده‌ها در آسمان را مطرح می‌کند، بیان می‌کند که چگونه خدا و پیامبرانش را انکار می‌کنند (طبرسی، ۱۳۵۰-۱۳۶۳، ج ۲۵، ص ۱۸۷).

دومین مورد اختلاف از منظر دو مفسر، آیه ۲۰ سوره ملک است. علامه طباطبایی استفهام در آن را در معنای ثانویه توییخ دانسته است، اما ابن عاشور ام منقطعه را در معنای اضراب دانسته که همزه آن برای تعجیز ذکر شده است.

۲- «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي عُرُوزٍ آيا چه



کسی است آن کسی که شما او را به جای رحمان یا ورو لشکر خود می‌پندارید تا شما را یاری کند؟ نه، کافران هیچ یک از آنچه گفتیم ندارند، تنها سرمایه آنها دروغ است و بس» (ملک: ۲۰).

استفهام در این آیه طبق بیان علامه طباطبایی دلالت بر توییخ کفار دارد؛ زیرا برای یاری خود از معبودهای دیگر به جای خدای تعالی مدد جستند. علامه طباطبایی بیان می‌دارد حتی سیاق این آیه از غیبت به خطاب برگردانیده شده و صراحتاً کفار را خطاب قرار داده تا بر سرزنش و توییخ کفار بیفزاید.

در معنای آیه ایشان بیان می‌دارند که خدای متعال از مشرکان می‌پرسد اگر خدای رحمان سرنوشت شومی یا عذابی برای شما مقرر کرده باشد، آیا آن یا ورو [بت‌ها] شما را یاری می‌کند؟ نه، پس غیر از خدا کسی نیست شما را یاری کند و این اشاره به این مطلب دارد که پندار مشرکان خطاست و آنها بت‌ها را جز برای یاری جستن در سختی‌ها نمی‌پرستند؛ در حالی که مشرکان و بت‌ها هر دو ملک خدای متعال اند و بت‌ها نه برای خود دارای نفع و ضرری هستند و نه برای دیگران و خود خدای متعال به خاطر نداشتن پاسخی از جانب مشرکان خود پاسخ می‌دهد و می‌فرماید «إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ». غرور، کافران را احاطه کرده است؛ پنداشته‌اند اعتقادشان بر الوهیت، اعتقاد درستی است (ر.ک: موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۰۳).

ابن عاشور در توضیح این آیه «ام» اضراب را که برای ابطال مطلب ماقبل و انتقال از مطلبی به مطلب دیگر هست، بیان می‌کند که آن کیست که در برابر خدای رحمان کمکتان کند و از وعده عذاب او یاری‌تان نماید؟ در ادامه ابن عاشور توضیح می‌دهد ام منقطعه در خود معنای استفهام دارد که همزه استفهام آن مقدر است، ولی در این آیه همزه استفهام برای تعجیز مفهوم «جند» ذکر شده است که در برابر خدای رحمان چیزی به حساب نمی‌آید (ابن عاشور، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص ۳۸-۳۹).

۳- «أَفَنْ يَمْسِي مَكْبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْسِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ: پس آیا کسی که با صورت روی زمین می‌خزد، هدایت یافته‌تر است یا آن کس که استوارتر و راست قامت‌تر در صراط مستقیم گام برمی‌دارد» (ملک: ۲۲).

استفهام در این آیه انکاری است. آیه شریفه در وصف کافران سؤال می‌کند آیا کسانی

که با صورت هایشان می خزند، برابر با کسانی اند که برصراط مستقیم اند؟ در واقع کنایه و توییخی هم بر کفار است که آنها به خاطر لجاجتشان نه بلندی های مسیر را می بینند و نه پستی های آن را می دانند. آنها هرگز مانند کسی که سرپا و مستقیم راه می رود، نمی توانند باشند؛ چون جای هر قدم از قدم های خود را می بینند و هدف مسیر خود را هم می دانند (موسوی همدانی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۰۳).

اما ابن عاشور در این آیه استفهام را حقیقی دانسته و «ام» را «معادله» یعنی «متصله» گرفته است و همزه استفهام از نوع حقیقی است و بین دو گروه مؤمن و کافر قیاس قایل شده است؛ شخصی که حال متحیری دارد تشبیه شده به کسی که با صورت فرو افتاده به خاطر نزدیکی با زمین. در عبارت «امن یمشی سویا» تشبیه حال کسی که ایمان به پروردگار واحدی دارد که اطمینان به یاری و تأیید پروردگارش دارد و در جاده روشنی در حرکت است، صورت او روبه جلو و مسیرش توجه دارد و «فا» ای که در صدر جمله آمده دلالت بر این می کند که فای تفریع از تمام دلایلی است که از ابتدای سوره تا اینجا ذکر شده و دلالت بر تقریر می کند.

۴- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ: بگو بر من خبر دهید اگر خدا من و پیروان مرا هلاک کند یا بر ما رحم کند، کافران را چه کسی از عذاب دردناک پناه می دهد» (ملک: ۲۸).

علامه طباطبائی می فرماید در این آیه خداوند به طور قاطع کفار را تهدید می کند که چه کسی آنها را از عذاب دردناک نجات می بخشد؟ ادات شرط ان و فعل شرط بیان می کند که چه پیامبر و همراهانش هلاک شوند یا هلاک نشوند، قطعاً کفار مورد عذاب خداوند قرار می گیرد، زیرا کسی نیست که بتواند آنها را از عذاب نجات دهد (همان، ص ۶۱۱).

ابن عاشور در این آیه به هر دو استفهام مذکور پرداخته و هر دو را استفهام انکاری ذکر کرده است. در استفهام اول در عبارت «أَرَأَيْتُمْ» در معنای ثانوی انکاری است؛ زیرا از پرداختن به آرزوها و تمایلاتشان انکار می کند که نفعی از آن نمی برند، ولی آنها نفوسشان از کینه و حسد پر شده است.

در انتهای همین آیه ابن عاشور کلمه پرسشی «من» در عبارت «فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ» را نیز انکاری می داند و می فرماید: یعنی از پناه دهنده و مجیر پناهی نمی بینند یا گمان

می‌کنند توسط پناهی در زمانی که هلاک می‌شوند، نجات می‌یابند؛ ولی در آن زمان از آنچه به دنبال نفع خود هستند، هلاک می‌یابند و نجاتی ندارند.

### ۵- نتیجه‌گیری

۱- علامه طباطبایی با توجه به سیاق آیات سوره ملک و قرینه‌های موجود در این آیات به تبیین، توضیح و بررسی آیات پرداخته، بر این اساس معانی ثانویه استفهام موجود در آن را کشف و استخراج نموده است؛ از این رو به روشنی برای مخاطب قابل فهم است.

۲- از منظر ابن عاشور استفهام‌های سوره ملک در معانی متعددی به کار برده شده است؛ از جمله: ۷ مورد در معنای انکاری؛ ۲ مورد توییخی؛ ۲ مورد تعجیز؛ ۲ مورد اضراب؛ ۱ مورد تهکم؛ ۱ مورد تقریر؛ ۱ مورد تنذیر؛ ۱ مورد تندیم؛ ۱ مورد استفهام حقیقی.

۳- ابن عاشور در بیان آیات به تحلیل دقیق موارد ادبی به کار برده شده در آنها پرداخته و موارد بلاغی، نحوی و بعضاً لغوی و صرفی را به خوبی تبیین نموده و به تحلیل مبسوط آن پرداخته است؛ به طوری که هر آنچه از بلاغت در آیه به کار رفته، در صدد تبیین آن برآمده است.

۴- با توجه به تفسیر ارائه شده از ابن عاشور در این سوره آنچه به چشم می‌آید، تحلیل صرفاً ادبی اوست. ابن عاشور بنای تفسیر خود را بر تحلیل موارد بلاغی آیات قرار داده و با بررسی موارد بلاغی و نحوی، تفسیری کاملاً ادبی از خود به جا گذاشته است؛ تا جایی که تحلیل‌های خارج از دایره مباحث ادبی از او کمتر به چشم می‌خورد و در مواردی که نیازی به تکرار تحلیل‌های قبلی به جهت تکرار آنها در آیات پیشین صورت گرفته، از ذکر تحلیل آن آیه خودداری نموده که این به معنای تکیه او بر جنبه‌های ادبی قرآن است.

۵- علامه طباطبایی برای تحلیل و تبیین آیات از جنبه‌های گوناگونی از جمله معرفتی و ادبی استفاده و افری نموده است. در بحث ادبی که موضوع کلی این مقاله است، در واقع موارد بلاغی موجود در آیات، ابزاری برای تبیین معارف و کشف حقایق موجود در آیات و انتقال آنها به مخاطبان بوده است. علامه طباطبایی با بررسی دقیق آیات و قرائن ادبی موجود در آنها از جمله موارد بلاغی مذکور در آنها بحث معانی ثانویه استفهام را در تبیین محتوای دقیق آیات و انتقال رسای آن تلاش بسیار نموده است. به



عبارتی مباحث ادبی در کنار مباحث معرفتی و عقلی ابزار و راهی برای تبیین آیات و کشف حقایق موجود در آن‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان تفسیر المیزان را علاوه بر تفسیر عقلی از تفاسیر ادبی برشمرد.



## منابع

۱. \*قرآن کریم (۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران.  
ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۱۸ق)، *التحریروالتنوییر*، ج ۲۹، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت.
۲. پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۹۴)، *فرهنگ نامه علوم قرآنی*، پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی، قم.
۳. تفتازانی، سعدالدین (بی جا)، *مطول*، دارالکوخ.
۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، «سوره ملک»، *دانشنامه قرآن پژوهی*، دوستان ناهید، تهران.
۵. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، دانشنامه بزرگ اسلامی، (بی تا)، بی ما، بی جا.
۶. رامیار، محمود (۱۳۶۲)، *تاریخ قرآن*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۷. رضی‌الدین استرآبادی، محمد بن حسن (۱۳۸۴)، *شرح الکافیہ*، شارح عمر، یوسف حسن، ج ۱، نشر امام صادق، تهران.
۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷-۱۴۱۶ق)، *الکشاف*، ج ۴، گردآورنده مصطفی حسین احمد، دارالکتاب العربی، بیروت.
۹. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، *بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، ج ۴، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۰. سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۴۰۸ق)، *الکتاب*، ج ۱، به کوشش محمد عبدالسلام هارون، مکتبة الخانجي، قاهره.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۳. صفوی، سلمان (۱۳۹۶)، «سوره ملک»، *دانشنامه معاصر قرآن کریم*، انتشارات سلمان زاده، قم.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات، بيروت.

۱۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۳۸)، مجمع البیان، ج ۱۰، ناشر، مکتبه العلمیه، چ ۱، تهران.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰-۱۳۶۳)، مجمع البیان، ج ۲۵، ترجمه و تصحیح هاشم رسولی و جمعی از محققان، نشر فراهانی، تهران.

۱۷. مال میر، محمد ابراهیم و وزیله، فرشید (۱۳۹۶)، تاملی نوبرمعانی ثانوی استفهام با تکیه بر غزلیات حافظ و آیاتی از قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، ص ۹۴-۵۹.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۱۹. موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۲۰. هاشمی، احمد (۱۳۸۹)، جواهر البلاغه، نشر الهام، چ پنجم، تهران.



نمایی کلی از نظرات علامه طباطبایی و ابن عاشور در خصوص معنای ثانویه استفهام  
در سوره ملک

ایه	علامه طباطبایی	ابن عاشور	توضیحات
أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)	استفهام انکاری و توبیخی	استفهام انکاری و توبیخ و تندیم	
أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴)	استفهام انکاری	استفهام انکاری	
أَأَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ (۱۶)	توبیخی	توبیخ و استفهام انکاری	
أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ (۱۷)	استفهام انکاری	استفهام انکاری	
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ (۱۸)	تهدید	تقریر و تنکیر	به نظریه معنای تهدید و تنذیر نزدیک تر است.
أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)	توبیخی و انکاری	استفهام انکاری	
أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰)	توبیخی	اضراب و تعجیز	با توجه به قرینه به معنای توبیخ نزدیک تر است.
أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُوقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ	اضراب	اضراب و	



	تعجیز		بَلْ لَجُوا فِي عْتَوٍ وَنُفُورٍ (۲۱)
	استفهام حقیقی	استفهام انکاری	أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)
	تهکم	تهکم	وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)
	استفهام انکاری	-	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا (۲۸)
با توجه به قرینه به نظر معنای تهدید نزدیک‌تر است.	استفهام انکاری	تهدید	فَمَنْ يُجِزِلِ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۸)
	استفهام انکاری	تذذیر و انکار	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (۳۰)

